

پراکنده‌ها
وازیادرفته‌ها

محال ممکن

غلامحسین ساعدی

فیلمنامه‌ها و سفرنامه‌ها

گردآوری: حمید تبریزی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

۹	ما نمی شنویم
۲۱	محال ممکن
۳۱	از همه جا می شود شروع کرد
۴۳	ماسه های بادی
۵۹	در ساحل کاکلی
۶۷	وینه
۸۹	سایه های خوش در حاشیه ی خلیج
۱۱۵	شاملوها

ما نمی شنویم^۱

یک اتاق کوچک، با پنجره‌ای به بیرون، یک زیلو و یک دست رختخواب، یک مشت ظرف و خرت‌وپرت، مقداری کتاب و روزنامه، همه درهم و برهم، کت و شلواری آویزان به یک گل‌میخ. در اتاق به راهرو نیمه‌تاریکی باز می‌شود، و پنجره، با پرده‌ی ضخیمی پوشیده شده‌است.

بعدازظهر

صدای غرش یک مارش نظامی از بیرون شنیده می‌شود. مرد جوانی در بستر افتاده، آشفته و کلافه، جابه‌جا می‌شود، از این دنده به آن دنده می‌غلند، جای سرش را عوض می‌کند. صداها هم‌چنان بلند است. مرد می‌غلند، متکا را برمی‌دارد و روی صورت و گوش‌هایش می‌گذارد.

۱ این کتاب در اردیبهشت ۱۳۴۹ در چاپخانه‌ی زر به چاپ رسید.

مارش، مارش، مارش، مارش نظامی از بیرون. مرد جوان با خشم بلند می‌شود و می‌نشیند، انگشتانش را لای موها کرده، دنبال چاره است. یک‌مرتبه از جا می‌جهد، مشتی قرص از جیب کت درمی‌آورد. چندتایی را می‌بلعد، جرعه‌ای آب می‌خورد، روی بستر می‌نشیند. صدای مارش آرام‌آرام دور می‌شود و به دنبال آن صدای قدم‌هایی که بر کف خیابان کوبیده می‌شود.

مرد جوان دراز شده، سرش روی متکاست. پلک‌ها روی هم، درازکش کامل، عضلات شل، تسلط خستگی خواب نزدیک است که یک‌مرتبه نعره‌ی بلند و گوش‌خراشی از بیرون شنیده می‌شود.

صدا

اگر در شرایط وسیع کنونی، به نظام خاص سیستم‌های مترقی و جوامع مرفه توجه کنیم، روشن خواهد شد که با چه مایه از دقت و امانت، قوانین و جرایم نیروهای عظیم و فنی و کارگری به القاء و حذف کامل روابط و دگرگونی‌های دامنه‌دار در امر برنامه‌ریزی و برنامه‌داری و ایجاد کمیسیون‌های پیش‌رفته، در امر تجارب نظامی و آموزشی و هدف‌های روشن و تازه‌تری در رشد مسائل اقتصادی و خلق قدرت باروری، پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آمده است. سلامتی کامل کانون‌های پرورش جسم، در قبال درآمد سرانه‌ی شعبه‌های اختصاصی مسئولیت و وظایف سازمان‌های آشنایی را چند برابر

ساخته و نتایج و نمودارهای چوبی تکامل مدیریت به شایستگی نسبی رسیده است. با توجه به این نکته که تمام منابع حاصله، از نظر ضعف دستگاه الزامی، صرف پیشرفت سرگرمی‌ها و تغییر چارپایه‌ها، غیرقابل پیش بینی و کاملاً اصولی است.

مرد جوان وحشت‌زده، روی تخت نشسته است. صدا، لحظه به لحظه، بیشتر اوج می‌گیرد، اضطراب و خشم مرد جوان، از اندازه بیرون است. بلند می‌شود و پرده را با یک حرکت تند، کنار می‌زند و پنجره را باز می‌کند.

بیرون میدانچه‌ایست وسیع با خانه‌ای درهم و مخروبه، دیوارها همه گلی و ریخته. پیرمرد عابری در زاویه‌ی کوچکی ناپدید می‌شود. چند سنگ خسته و خواب‌آلود، در گوشه و کنار پرسه می‌زنند. یک جیب آرتشی، از گوشه‌ای وارد می‌شود و بدون توقف در کوچه‌ی دیگری ناپدید می‌شود. دوتا بچه که توی آشغال بازی می‌کردند، با دیدن جیب بلند شده، فرار می‌کنند.

مرد جوان چشم به بلندگویی دارد که بالای تیر روبه‌روی خانه‌ی او نصب شده. بلندگو رو به میدان، هم‌چنان غرا و رسا، مشغول سخن‌پراکنی است. مرد جوان همه جا را می‌پاید و بعد به داخل اتاق برمی‌گردد و از در خارج می‌شود.

بلندگو، هم‌چنان نعره می‌کشد که مرد جوان با دو تکه آجر، جلو پنجره ظاهر می‌شود. کینه‌ی شدید او را از عضلات درهم و فشرده‌ی صورتش می‌شود دریافت.

لحظه‌یی نگاه می‌کند و موضع می‌گیرد، و لحظه‌ی دیگر پاره‌آجر را محکم به بلندگو می‌کوبد. بلندگو به سسکه می‌افتد و بعد صدا، آرام‌تر به صحبت ادامه می‌دهد. مرد جوان قدمی عقب‌تر می‌گذارد، پاره‌آجر دوم را محکم‌تر به طرف بلندگو پرت می‌کند. صدا یک‌مرتبه بریده می‌شود. مرد جوان نفس راحتی می‌کشد و نگاه طولانی به تمام میدان می‌کند، با خیال راحت پنجره را می‌بندد. مرد جوان روی بستر افتاده، سیگاری روشن کرده. خستگی شدید از صورت و اندام او پیدا است. صدای بلندگو، یک‌مرتبه اوج می‌گیرد.

صدا

تصویب نهایی و تعاون کامل لایحه‌یی که از انجام حداکثر وسایل پشتیبانی کند، و تشکل بی‌نظیر انشعابات و افزایش کامل زیرکشت‌ها، در اثر حرکت تازه، که از طلایع‌های نوین در اجرا و قبول بی‌نظیر آئین‌نامه‌ها و وصول کامل حق مشورت‌های بیمه‌یی که با پرداخت شرافتمندانه‌ی نیروی عظیم کشاورزی و اجرای آئین‌نامه‌های کلی اجتماعی و انفرادی و گسترش تکامل آسایش‌های ساختمانی به منصفی ظهور رسیده، تأسیسات بی‌نظیر مرحله‌ای را که از راه‌های پررونق امور سرپرستی باعث تقویت فکر صاحبان نحیف تعاونی شده، از عدم وصول باز داشته است و نتیجه این‌که وسایل پانصد تخت‌خوابی، مایه‌ی سربلندی و آشوب احساسات ضد میهنی در تمام شئون اجتماعی و فلسفی، به یک نوعی